



بسم الله الرحمن الرحيم

کلاس تدبر در سوره های جزء 30 و بیان اهداف تربیتی سوره ها در پایه های دبستان

سوره ناس، روز دوم ماه مبارک رمضان

معرفی اجمالی سوره:

خواندن سوره...

آخرین سوره قرآن است.

این سوره و سوره فلق، معوذتین هستند.

درباره این است که باید از شر به خدا پناه برد.

خداوند به پیامبر امر می کند که پناه بردن خود را ابراز کند.

شر این سوره: شر وسوسه تاخیر انداز است، شری که حال انسان را می گیرد و باعث می شود کارهایش به تاخیر بیفتند. در این سوره انسان برای اینکه دچار این وسوسه و وضعیت نشود، باید به خدا پناه ببرد.

در این سوره اسمایی از خدا نام برده می شود که باید به آنها پناه ببریم که هر کدام از این اسماء برای مرتبه ای از نیاز ذکر شده اند:

رب: نیاز به مقصد داشتن

ملک: نیاز به برنامه داشتن

اله: نیاز به رغبت داشتن

با پناه بردن به هر کدام از این اسماء از شر وسوسه رهایی مییابیم.

ناس: انسانها از جهت ارتباطاتی که دارند. مردم با هم در ارتباطند. از ریشه انس است: انسان موجودی است که انس می گیرد و حس نزدیکی به آنها پیدا می کند.

انسانها در مواجهاتشان خیلی از نیازهایشان را برطرف می کنند.

آدمها وقتی با هم انس می گیرند، آن جمع مقصد، برنامه و احکام و رغبتشان را تعیین می کند. هر قدر انسان در ارتباطش با اطرافیان، یادش نرود خدایی دارد که مقصد و برنامه و رغبتش را او تعیین می کند، بیشتر می تواند از شر وسوسه در امان بماند.

آیات اول تا سوم پناهگاه را بر اساس سطح نیاز افراد معرفی می کند:

بگو به رب مردمی پناه می برم که مقصد را او تعیین میکند.

فرمانروای مردم است.

به خدا و معبودی که با میل و رغبت پرستیده می شود.

در آیه 4 نوع شری که باید از آن پناه برد را معرفی می کند:

شر وسوسه خناس

آیات 5 و 6 و سوسه خناس را معرفی می کند:

که در سینه مخفی است و ممکن است از ناحیه جن یا انسان باشد.

نحوه ارائه سوره به بچه های دبستان:

سعی می کنیم غرض اصلی سوره ناس را تنزل دهیم و سوره را به بچه ها معرفی کنیم.

غرض: رهایی از شر وسواس خناس است که در عمل باعث کندی می شود. باعث می شود کاری که الان باید انجام بدهد را انجام ندهد. مطلب اصلی سوره این است.

به بچه دبستانی مستقیم این را نمی شود گفت. باید سرعتشان را فعال کنیم. نشاط در آنها فعال شود. سوره ناس سوره ای برای فعال شدن سرعت و نشاط است. باید یاد بگیرند اگر با کاری مواجه شدند آن را سریع انجام دهند و تأخیر نیاندازند. باید در هر پایه مرتبه ای از آن بیان شود:

پایه اول: با سرعت و شادی کاری را انجام دهد.

پایه دوم: کارهای خوب متنوع را بلد باشند. شوق انجام سریع کارهای مختلف را داشته باشند.

پایه سوم: باید کاری را انتخاب کنند که به نظرشان بهترین کار است. از بین چند کار خوب، بهترین انتخاب را داشته باشند.

پایه چهارم: بعضی کارها باعث تأخیر می شود. کودکان باید برنامه داشته باشند که جلوی این تأخیر را بگیرند

پایه پنجم: بدانند چه چیزهایی به آنها نشاط می دهد تا کارها را سریع انجام دهند. عوامل ایجاد نشاط را رعایت کنند و سرعت کارشان را بالا ببرند.

پایه ششم: بدانند چطور از توان جمع استفاده کنند و کار را سرعت بخشند.

تدبر در سوره ناس:

کلیت سوره ساختاری دارد که قل ابتدای سوره است.

قل: بگو، امر است. قول یعنی ابراز آنچه در قلب است با هر وسیله ای. فقط گفتن با زبان نیست. اخم هم قول است. چیزی در قلبم است و آگاهانه در ظاهر آن را نشان می دهم.

پیامبر چه بگوید: کلمه اصلی، اعوذ است، پناه میبرم، پشت چیزی قایم شود. مثلاً از باران زیر سقف می رود.

هر آسیبی پناه گاه متناسب با خود را دارد.

پناه می برم به.... از که اینطوری است.

پناه گاه و شر را معرفی می کند.

خوب است، نسبت پناهگاه و شر را بررسی کنیم تا سوره را بیاوریم در زندگی. در سوره مبارکه پناهگاهها اسمای خداست.

شر:

در سوره فلق 4 شر معرفی شده و پناهگاهش رب فلق است.

در سوره ناس 3 پناه گاه و یک شر معرفی شده.

شر: ضرر دائمی و ماندگار است. ضرر یعنی انسان مطلوبی دارد که میخواهد به آن برسد و نمی شود، مقابل نفع است. نفع یعنی اینکه انسان به مطلوبش برسد.

نفع ممکن است حقیقی یا غیر حقیقی باشد. براساس ماندگاری این حقیقی بودن یا نبودن آن مشخص می شود. آیا تا پایان مرگ این منافع برای من می ماند؟!

خیر و شر حقیقی و غیر حقیقی مثل نفع و ضرر ندارند. خیر کلا حقیقی است. خدا مالک نفع و ضرر است. خدا ضرر هم می زند یعنی انسان یک مطلوبی دارد که خدا نمی گذارد به آن برسد تا رشد کند ولی شر مال خدا نیست ، انسان باعث شر می شود. خدا پیده الخیر است.

یک تعریف دیگر از خیر این است. خیر: نفعی است که افراد با مقایسه چند وضعیت خودشان انتخاب می کنند و ترجیح می دهند. کسی که شر را انتخاب می کند معیار غلطی داشته و چیزی که برایش ضرر داشته انتخاب کرده چون افق بلندی نداشته.

از شری پناه می بریم که اثر ماندگاری دارد.

وسوسه: میدانم کاری درست است ولی در دلم شک می افتد که انجام بدهم و باعث می شود دیرتر انجام دهم یا کار غلطی را انجام میدهم.

خناس از ریشه خنس: تأخیر در چیزی است که باید جلو بیفتند یا انقباض ایجاد شدن در چیزی که باید انبساط داشته باشد.

وسواس خناس است. وسواس تأخیر می اندازد و در انسان انقباض ایجاد می کند.

خیلی وقتها انتخاب اشتباهی که باعث ضرر دائمی می شود، وسواس خناس است.

این وسواس وسوسه می کند. از کجا معلوم؟ کی گفته؟ دائم تکرار می شه. فعل مضارع آمده است.

ناس: انسان از حیث مواجهه است. به انسهای فرد مربوط است.

صدر: سینه. قلب از نظر معنوی و غیر فیزیکی، در ادراکات و ساختار وجودی هم مثل فیزیکی است. هرچه انسان می فهمد و تشخیص می دهد در قلب اتفاق می افتد. مرکز ادراکات است. محل پروزات انسان است.

خناس در محل ابرازات وسوسه می کند. یعنی در لحظه انجام کار وسواس خناس می آید تأخیر میاندازد، نه در زمان برنامه ریزی.

خیلی وقتها چیزهایی که انسان با آن انس گرفته، در این کار اثر می گذارد.

جن: موجودات مخفی هستند. عامل مخفی است و نمی بینیم آن را.

تفصیل در شناخت شر، باعث می شود که بهتر آن را مدیریت کنیم.

سوره چه پناهگاهی را معرفی کرده؟

پیامبر می گوید من از شر این وسوسه پناه به رب و ملک و اله ناس می برم.

ناس همان انسان است ولی تمرکزمان روی روابط و مواجهات انسان است. انسان موجودی انس گیر است. ما به

دیگران نیاز داریم. مهم است که با کی انس می گیریم. اینها نشان می دهد که چه وضعیتی داریم.

همه این انسانها و مواجهاتشان خدایی دارند که نباید این را فراموش کنیم. هدایت این طوری رقم می خورد که خدا را در زندگی ببینیم اگر خدا حذف شود، دچار شر می شویم و زندگی ما آسیب می خورد. همه سوره ها می خواهند خدا را در زندگی پررنگ کنند. برخی اوقات عامل فردی، جمعی، اجتماعی یا ... دارد. سوره های مختلف از زوایای مختلف می خواهند خدا را در زندگی انسان وارد کند. چون انسان نیازهای مختلفی دارد به شکلهای مختلف در مورد آن صحبت می کند.

نیازهای پایه مطرح شده:

اول، نیاز به رب از جنس سرپرست داشتن است. کسی تدبیر امورش را داشته باشد. تربیتش کند، نقصهاش را برطرف کند و به کمال سوقش دهد. رب: مالک تدبیری که نقصهای مخلوقات را برطرف می کند و آنها را به طرف کمال می برد. تعیین کننده کمال او است. آدم که نمی داند کمالش کجاست. این نیاز را از همان تولد انسان درک میکند. اول رب را پدر مادر می داند و بزرگتر که می شود می فهمد ربش خداست. نیاز به سرپرست داشتن و از زاویه دیگر نیاز به مقصد داشتن است.

دوم، نیاز انسان به احکام، دانستن، باید و نیایدها را دانستن، قوانین. برای رسیدن به مقصد چگونه باید عمل کرد. اینها نیازهایی هستند که بعدتر در انسان شکل می گیرد. وقتی که کمی فکر انسان فعال می شود. شبیه نیاز به معلم یا رییس جمهور است. قانون گذار را می فهمند. بعدا انسان می فهمد ملک خداست. نیاز به حکمران و فرمانروا و از جهت دیگر نیاز به برنامه و احکام و شناخت مسیری که باید در زندگی طی کنم.

سوم، نیاز به چیزی که باید پرستید، نیاز به معشوق. بالاتر است و در سن تکلیف به وجود می آید. ممکن است به انحراف کشیده شود. نیاز به اله است که انسان ها را به سمت بت پرستی می برد.

اله از ریشه الهه است. در عبودیت چیزی که توجه می کنیم، تواضع است. در الهه واله بودن، حیران و عاشق بودن نسبت به معبود را اشاره می کنیم. انسانها باید بفهمند که الهه و معشوقشان خداست.

انسان چون انس میگیرد و مواجهاتی دارد، نیازهایش را در این انسها قرار می دهد. این را خود قرار داده ولی انسان باید یادش باشد که اینها اسباب رفع نیاز هستند. به جز خداوند، همه انس هایی که میگیرد اسبابی هستند که خدا برای رفع نیاز قرار داده. همه این مراتب نیازها و رفع نیاز، رافع نیاز خداست. اگر این را انسان بداند، دچار وسوسه خناس نمی شود.

وقتی با جمعی انس می گیریم، باید و نیایدها را از جمع نگیریم، معبودمان را گروهی که انس گرفتیم قرار ندهیم.

سوره با قل شروع می شود. انگار که این پناه بردن به رب، حتما نیاز به ابراز دارد. آدمها باید بفهمند ما بخدا پناه میبریم. به شکل مخفی نباید پناه ببریم.

راه تشخیص وسوسه:

همیشه در معرض وسوسه هستیم. یوسوس مضارع است. چه وقتی در معرض وسوسه نیستیم؟ وقتی متوجه خدا هستیم، در غیر اینصورت دچار وسوسه هستیم.

انسان دچار القائات است که یا الهامات هستند یا وسوسه است. هر وقت به انسان الهام نشد، دچار وسوسه شده است.

انسان نباید فکر کند ادم بدی هستم که به من وسوسه می شود. باید اینطور نگاه کند که بچه است و باید رشد

کند. یواش یواش در بچه قصد و عزم ایجاد می شود. اگر زود بزرگ نشویم، به درد امام زمانمان نمی خوریم. امام زمان به عنوان یک کوچولو ما را دوست دارد. این خیلی مهم است که حس آدم بد نداشته باشیم. اگر یاد خدا فعال شود، از شر وسوسه دور می شویم.

اهداف تربیتی سوره در پایه های مختلف:

سوره ناس، سوره افزایش سرعت و نشاط است.

پایه اول:

بچه های پایه اول پر جنب و جوش هستند و حرف شنوی ندارند. باید نشاطشان را حفظ کنیم. مفاهیم انتزاعی نمی گوئیم. قالب محتوایی بازی است بعد قصه یا نمایش است. اینکه با بچه حرف بزیم اولویتهای بعدی است. خواندن سوره مهم است. «بچه ها سوره ناس به ما می گه باید کارهایمان را سریع انجام بدیم» و بعد بازیهایی که سریع انجام شود را بکنند. البته در سوره ناس بحث تأخیر است ولی در این پایه این را نمی گوئیم.

پایه دوم:

در سنی هستند که باید قدرت تفصیلشان زیاد شود، تنوع و تفصیل فعال شود. بازی قالب خوبی هست، گفتگو آنقدر نقش ندارد. «سوره ناس به ما یاد میدهد تندتند کارهای خوب را انجام دهیم.» کارهای خوب مختلف را به آنها نشان می دهیم. انگیزه و رغبت در آنها ایجاد می کنیم که کارهای خوب را انجام دهند. هرچه تعداد کارهای خوبی که می شناسند بیشتر شود، انگیزه شان بیشتر می شود و به این ترتیب سرعتشان را بالا می بریم. «این کار را انجام دهیم که زودتر برویم کار خوب بعدی را انجام دهیم.»

پایه سوم:

در سنی هستند که باید وارد کارهای عملی شوند. در پایه های قبل باید شناخت پیدا می کردند. دخترها به سن تکلیف می رسند. در عمل شناخت باید و نباید و قوانین و انتخاب موضوعیت پیدا می کند. در این سن می توانیم بیشتر گفتگو کنیم. نصف زمان کلاس بازی، نصف گفتگو...

«سوره ناس به ما میگوید باید حواسمان را جمع کنیم که چه کارهایی را انتخاب کنیم که کارهای خوب را زود انجام دهیم.» حالتهاى مختلفی باید به آنها بدهیم تا آن حالتی را انتخاب کنیم که سریعتر انجام بدهند. چه انتخابهایی داشته باشیم که سرعت ما را در انجام کار خوب بالا ببرد.

مثال: می خواهیم این وسیله را به آن نقطه برسانیم از کدام مسیر و از کدام حمل کننده استفاده کنیم؟

پایه چهارم:

به سطحی از درک انتزاعی رسیده اند. قدرت برنامه ریزی در آنها فعال شده و نظم موضوعیت برایشان پیدا کرده.

یک سری عوامل تأخیر وجود دارد اینها را به آنها نشان می دهیم مثلاً بی نظمی باعث تأخیر می شود. مقدمات کاری را درست انجام ندهید باعث تأخیر می شود. عوامل دیگر: ندانستن، مشخص نبودن مقصد، انتخاب غلط و...

جلوی کندی و تأخیر را بگیریم و کارها را زود انجام دهیم.

پایه پنجم:

میل و رغبتشان به کار خوب زیاد شود.

مهارتها و قوانینی وجود دارد که باعث نشاط میشود و باعث می شود کارخوب را سریع انجام دهیم. مثلا وقتی شب زود میخوابد صبح سرحال تر است. یا مثلا صبحانه نخورد، کسل می شود.

به علاوه یک سری عوامل معنوی هم هست که نشاط را بالا می برد. در این پایه انگیزه های انجام کار خوبشان را ارتقا می دهیم. انگیزه های باارزش تر، خوشحال کردن والدین، کسب رضای خدا، محبت اهل بیت.

پایه ششم:

در سنی هستند که می شود با آنها گفتگو کرد و مسئولیت می توانند پذیرند. می تواند جمع تشکیل دهند. قدرت انتزاعشان مناسب است و توان مدیریتشان دارد شکوفا می شود. باید مسئولیت یک کاری را به آنها بسپاریم. یک جمعی با مسئولیت خودشان شکل بگیرد و با هم یک کار خوب را سریع انجام دهند.

ارزیابی یادگیری در این پایه: برای افزایش سرعت کارخوب و دوری از تاخیر، از راهکارهای جمع استفاده کنند. لا زمه ان این است که مسئولیت به آنها سپرده شود.

معرفی سایت: www.fahmeghoran.ir

نکته:

1- راجع به شیطان و جن نباید با بچه صحبت کرد. باید تأکید کنیم زود کارهای خوب را انجام بده .

اگر بچه ها از شیطان ذهنیت دارند، از اشتباهات ما و اطرافیان بوده. نباید ذهنیت پیدا می کردند. باید این نوع سؤالات آنها را اصطلاحاً بیجانیم و نباید به آن پردازیم. خیلی وقتها چیزهایی که از شیطان میگویند غیر واقعی است میتوانیم بگوییم این حرفها الکی است.

برای پایه 4 به بالا در صورت اصرار و سوال بگوییم شیطان دوست ندارد کار خوب انجام دهیم. همین هم اگر باعث بترس شود اشتباه کردیم. اگر خیلی اصرار کردند می گوییم: شیطان همان فکر بد است. خیلی نباید مانور بدهیم. بعضی از این مسائل برای ما شفاف نیست ولی اصرار داریم به بچه بگوییم.

2- مهمترین قالب در همه پایه ها، خواندن سوره است. همخوانی سوره حتما وجود داشته باشد.

نباید کلاس قران خشک باشد. باید حس خوب به خواندن سوره داشته باشند. القای معلم خیلی مهم است. چطوری شعار با شور می دهند به همین ترتیب با یک القای خوب سوره را بخوانند. جمع خوانی نشاط ایجاد می کنند. اصرار نداشته باشیم که احترامی که ما به قران می گذاریم آنها هم بگذارند. بچه کوچک وضو نداشته باشد اشکال ندارد دست بزند. از دست بچه دو ساله نباید قرآن بکشی. یک کتاب ضخیم دیگر بده بهش ولی به روحیه بچه آسیب نزن. خواندن قرآن با احترام باید باشد و ساکت باشیم. خودمان احترام را حفظ می کنیم و انجام می دهیم ولی بچه ها بالا پایین پریدند اشکال ندارد.

همخوانی خیلی لذت بخش است. می توانیم به آن تنوع بدهیم و جذابیت در موقعیتهای مختلف بدهیم. همخوانی با صدای آرام، بلند و...

متناسب با مفاهیم سوره و موقعیتهای می توانیم سوره را بخوانیم. مثلا: اگر خرده کاغذها را جمع نکنیم به بازی

نمی‌رسیم در حین جمع کردن، سوره ناس هم بخوانیم. سوره را می‌شود موقع انجام کار خواند تا تناسب سوره با کار را هم بفهمند.

3- مفهوم تدبیری: آن چیزی که سوره برای زندگی ما دارد. چه تأثیری در زندگی ما دارد. تدبیر به طور کلی ناظر به مخاطب است. ما به بچه‌ها می‌گوییم فهم قرآن، قدرت تدبیر خیلی ندارند. ناظر به مخاطب است یعنی هر مخاطبی در سطح خودش از سوره می‌فهمد. نکاتی بعضاً گفته می‌شود برای بچه‌ها که اصلاً بچه‌ها درکی از آنها ندارند.

سوره ناس دارد می‌گوید با وجود وسواس خناس باز هم خیر و کار خوب انجام دهیم. پناه بردن از شر یعنی دچار نشدن به ضرر دائمی یعنی دچار نشدن به انتخاب غلط یعنی انجام کار خوب یعنی رسیدن به نفع دائمی.

4 - تفاوت سرعت و عجله:

برای بچه‌ها لازم نیست این تمایز را قائل شویم. همین که نشاط را در آنها ایجاد کنیم از کندی دور می‌شوند.

عجله یعنی قبل از انجام مقدمات کار بخواهیم کاری انجام دهیم.

سرعت یعنی تند تند مراحل را طی کنیم. در قرآن به سرعت توصیه شود. با سرعت به سمت مغفرت برود و... سرعت باعث خراب شدن کار نمی‌شود.

5- بچه باید در دبستان با خودش مقایسه می‌شود.

6- پناه بردن به خدا موضوع انتزاعی است. بچه‌ها چیزی از این موضوع نمی‌فهمند. بچه‌های اول و دوم حس پناهندگی به والدین را می‌فهمد ولی از پناهندگی به خدا چیزی نمی‌فهمد. پناه یک غایت دارد که از پناه به آن، کار خوب را تاخیر نیندازیم. این را به بچه‌ها می‌گوییم. خدا دوست دارد ما کارهای خوب را سریعتر انجام دهیم.

چیزهایی از خدا به بچه‌ها گفتیم که به دردشان نمی‌خورد. حتی باعث نمی‌شود که خداشناس شوند. باید چیزی بگوییم که می‌فهمند.

7- چرا باید بچه‌ها را مجبور به نماز کنیم که بگویند خدا بد است. خیلی وقتها باید حرفهایشان را نشنیده گرفت. می‌گویند مامانم هم بد است. در قبل دبستان محیط پر از محبت و پر از امنیت باید داشته باشند. خودشان رشد می‌کنند و استعدادهایشان شکوفا می‌شود. در دبستان یک سری قوانین هم باید اضافه شود. بیشتر از این نباید بچه‌ها را انگولک کرد. اگر والدین رفتارهای مومنانه داشته باشند و معلم مومن باشد، خیلی از آسیبها جلوی پیش گرفته می‌شود. کافی است سوره‌ها را با یک رویکرد درست به آنها آموزش دهیم.

خدا توفیق دهد که عامل به سوره ناس و سور دیگر قرآن بشویم.

به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

اللهم صل علی محمد و آل محمد